



انترناسیونال ۴۴۵

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۴ فروردین ۱۳۹۱، ۲۳ مارس ۲۰۱۲

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: کاظم نیکخواه



صفحه ۹

اول مه: جهان از آن ۹۹ درصدیها!

روز اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر:

با شعار "همه قدرت به ۹۹ درصدیها" خیابانها را به تسخیر درآوردید!

علیه جمهوری اسلامی، علیه فلاکت و تحریم اقتصادی، علیه تهدید جنگی، برای شادی و رفاه و آزادی، برای بدست گرفتن اختیار زندگی پیا خیزید!

اعظم جهان به میدان آمدند و مسیر تاریخ قرن بیست و یک را تغییر دادند. در خاورمیانه و شمال آفریقا دیکتاتورها را به پایین کشیدند و در

همیشه است. عجیب نیست. سال گذشته جهان شاهد انقلابات و جنبش های عظیم و تاریخی بود. ۹۹ درصدی های در بخش

روز جهانی کارگر امسال اول مه ۲۰۱۲۲، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱) جهانی تر، رادیکالتر و نوید بخش تر از

بازار مکاره پیغمبر سازی و

رهبر تراشی:

"بی بی سی" و صدای آمریکا در راه احمدی نژاد!



مصطفی صابر

سال ۹۰ سال اعتراضات گسترده کارگران در ایران

اندازد. به این لحاظ سال ۹۰ سال ویژه ای بود. وضعیتی که همچنان ادامه دارد و بحرانی با ابعادی

صفحه ۳

بحرانی شد و همین بهانه ای گردید که این حکومت حمله اش به معیشت و زندگی مردم را در ابعادی گسترده تر و تکانه دهنده تر به جریان

بود. سال ۹۰ اقتصاد جمهوری اسلامی زیر فشار تحریمها و انزوی بین المللی جمهوری اسلامی بیش از پیش فلج و

شهلا دانشفر

سال ۹۰ سال فلاکت بیسابقه، سال گرانی و فقر و تباهی بیشتر برای کارگران و کل مردم ایران

جلاد کهریزک و همه سران حکومت را محاکمه

خواهیم کرد

کشتار فجیع عزیزان مردم در قتلگاه کهریزک بود. مردم ایران بارها به اشکال مختلف بر خواست محاکمه سعید مرتضوی پافشاری کرده اند و زیر همین فشارها بود که این حیوان خونخوار از دادستانی تهران کنار گذاشته شد. اما سران جمهوری اسلامی میدانند که مرتضوی دارد و آخرینش طراحی و مدیریت

صفحه ۹

هفته گذشته سعید مرتضوی جلاد کهریزک به عنوان مدیر سازمان تامین اجتماعی تعیین شد. سعید مرتضوی را همه مردم ایران به عنوان جلاد کهریزک میشناسند. او سمبل کل حکومت منفور اسلامی است. سعید مرتضوی دهها قتل و تجاوز و شکنجه مستقیم را در کارنامه خود دارد و آخرینش طراحی و مدیریت

یک تحصن و درسهای فراوان

مینا احدی

ورسبرگ را در بین ایرانیان بر سر زبانها انداخته است. یک ماه تمام بحث در حاشیه اعتراض به سیاستهای ضد پناهندگی دولت آلمان و موقعیت پناهجویان

صفحه ۲

اخبار مربوط به خودکشی محمد رهسپار پناهنده ایرانی و مباحثات حول و حوش میتینگ علیه سیاست ضد پناهندگی دولت آلمان در رسانه های فارسی زبان، از دو ماه پیش، اسم شهر

ادامه قدرتمند تحصن و اعتصاب پناهجویان

ایرانی در ورتسبورگ!

حمایت جنبش ۹۹ درصدیها!

حمایت نمایندگان پارلمان و احزاب!

ادامه انعکاس گسترده اعتراضات در رسانه های آلمانی،

صفحه ۱۰



صفحه ۷

بازتاب هفته

سال ۹۰ و طنین "نه" مردم به اعدام

مهراب دشتی

اوباما همیشه با اونا!

یاشار سهندی

تروریسم از اسلو تا تولوز!

از لابلای یک مصاحبه کوتاه

بهرز مهر آبادی

صفحات ۵-۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

یک تحسن و... از صفحه ۱

مینا احدی



ایرانی، با توجه به خودکشی یک پناهجو از ایران، در مورد این بود که آیا اعتراض پناهجویان سیاسی است یا صنفی آیا باید در مورد حکومت اسلامی ایران و جنایات این حکومت حرف زد و یا آنرا سانسور کرد، آیا سازمانها و احزاب سیاسی باید در این مبارزات شریک شوند یا نه. همه این نوع مباحثات که یکسر به کلیسا و دولت و یکسر دیگر به تعدادی از افراد و یا جریانها ضد کمونیست و طرفدار اصلاحات حکومتی در ایران وصل بود، در عمل پاسخ خود را گرفتند.

ساعات اول اعتراض دهها رسانه محلی و سراسری سراغ این جوانان رفته و حرفهای آنها را منعکس کردند. و این فضا و این اعتراض ادامه دارد. میلیونها نفر در جریان خواست اینها و همچنین فضای سرکوب و بی حقوقی در ایران قرار گرفته اند.

حمایت و سمپاتی به این حرکت در آلمان بسیار گسترده و در ابعاد هزاران نفر است. پیوستن ۹۹ در صدیها به این حرکت و همراهی سازمانهای مدافع حقوق انسانی از آلمان این حرکت را بسیار جلو برد. از همان ساعات اولیه جوانانی از جنبش ۹۹ درصدیها با برپا کردن چادرها در محل تحصن از حرکت پناهندگان پشتیبانی کردند. این یک حرکت سمبلیک و بسیار مهم است. و بر این حقیقت تاکید میکند که ما همه ۹۹ در صدی هستیم فرق نمیکند از ایران باشیم یا امریکا و آلمان و ما همه در کنار هم هستیم برای دستیابی به حقوق انسانی خودمان. الان چند چادر دیگر در کنار چادر پناهجویان از سوی جنبش ۹۹ درصد هست و میگویند چون جا نیست چادرهای بیشتری برپا نمیشود والا تعداد زیادی در صف هستند که به این حرکت پیوندند. جنبش ۹۹ درصدیها کمک میکنند که متحصنین مجمع عمومی داشته و کارها بهتر از قبل پیش برود.

در یک گوشه چادر لیستی نصب کرده اند که به وسایل و مایحتاجی که معترضین لازم دارند اشاره دارد و مردم مستقیما لیست را نگاه میکنند و با توجه به آن برای اینها آب و آب میوه و هر چه که لازم دارند، می آورند. دیروز چهارشنبه یک معلم همه دانش آموزان کلاسش را آنجا آورده بود و گفته بود در عمل یاد بگیرد که حق پناهندگی چیست و چرا اینها تحصن و تجمع کرده اند. و دانش آموزان از متحصنین در مورد ایران و زندگی جوانان در آنجا و خواستهای پناهجویان میپرسیدند و

با آنها در مورد اینکه چند سال است سرگردان هستند و یا فرزندان و یا عزیزانشان را ندیده اند سوال میکردند و با ابزار احساسات ابراز پشتیبانی میکردند. در مقابل چادر، مردم صف میکشند تا طومار دفاع از حق پناهندگی را امضا کنند و ۹۹ درصدیها عملا به یاری این جوانان فراری از ایران شتافته اند. دیروز یک خانم مسن آلمانی با دوچرخه به محل تحصن آمده و میگفت که خبر را از رادیو شنیدم نگران شدم و آمدم بگویم اگر کیسه خواب و پتو لازم دارید برایتان بیاورم.

یک واکنش متفاوت

روز چهارشنبه ۲۱ ماه مارس به دفتر وزیر داخله استان زنگ زد و تقاضای یک نشست با یواخیم هرمن وزیر داخله استان بایرن را کرد. گفتند در مورد پناهندگان متحصن باید با وزیر کار و امور اجتماعی و وزیر زنان استان بایرن، کریستینه هادرت هاورتماس بگیرم، به دفتر وزیر امور اجتماعی زنگ زد و در نهایت با یکی از مسئولین این وزارتخانه و ظاهرا مسئول موضوعات مربوط به "خارجیها" به اسم دیک حرف زد. از او میپرسم که حتما در جریان تحصن پناهجویان ایرانی هست و میخواهم که وزیر در روز دوشنبه با هیئتی به دیدار این پناهجویان رفته و با آنها مذاکره کند. این خواست پناهندگان و مسئول فدراسیون پناهندگان در آلمان، شهنواز مرتب است و از او میخواهم که این خواست را با کریستینه هادرت هاورت وزیر کار و امور اجتماعی در میان بگذارد. میگویم حتما انعکاس گسترده مطبوعاتی این حرکت پناهجویان، خبر را به گوش شما رسانده است که از چند روز قبل تعدادی از پناهجویان ایرانی تحصن کرده اند. یکبار مثل فنر از جا بلند میشود و میگوید بله انعکاس گسترده داشته ولی خانم احدی برو در ویلاگها پایین این تکستها را نیز بخوان برو ببین مردم چه میگویند برو بخوان "اگر هفتاد درصدشان می نویسند" اگر آلمان بدلتان نیست برگردید همانجایی که اول بودید." خشم وجود را فرا گرفته بود. از این طرف

خط به او جواب دادم "مردم اینرا نمیگویند. اینرا راسیستها میگویند و شما آنرا به من تحویل میدهید". گفتگویمان تند شد. بسیار برای من تکان دهنده و شوک آور است که یک مسئول دولتی با بیشرمی این حرف را تکرار میکند و من مجدداً به او میگویم میدانی که با کی حرف میزنی و میدانی که این حرفها چه باری دارند؟ او اضافه میکند که ما میدانیم در راس این حرکت چه کسی است، به آن کسی که در راس این حرکت است که بارها تقاضای پناهندگی داده و این تقاضا رد شده، بگویند وقتی کشور ما میگوید تو نمیتوانی اینجا بمانی پس باید بروی! و من میگویم شما میدانید که در ایران هر چهار ساعت یک نفر اعدام میشود و این فرد که اسمش حسن حسین زاده است یک فعال سیاسی است و یک کمونیست است و باز پس فرستادن او به ایران یعنی دادن حکم اعدام او؟ او میگوید اینجا یک کشور آزاد است و ما تقاضای او را بررسی کرده و میگوییم نمیتواند اینجا بماند، او و بقیه پناهندگان نمیتوانند با این اعتصاب غذا ما را تحت فشار گذاشته و از ما امتیاز بگیرند. میگویم اینجا مردم به خیابان میروند تظاهرات میکنند همین الان آلمان یکپارچه اعتراض و اعتصاب است، پس این اعتصابات هم از نظر شما محکوم است و... در نهایت با عصبانیت گویی را میگذارم و از این همه بیشرمی، تم میلرز.

درسها

دفاع مردم از پناهجویان ادامه دارد. آنها اکنون بیشترین اطلاعیه هایشان به زبان آلمانی است چرا که آلمانی زبانها به آنها کمک میکنند. حسن حسین زاده "مسعود" با لبخند به من میگوید الان کارمان بر عکس شده اول اطلاعیه به زبان آلمانی میدهیم و سپس باید آنرا کسی به زبان فارسی ترجمه کند! روحیه های اعتصاب کنندگان عالی است چرا که احترام و همبستگی و توجه جامعه را بخود می بینند. امروز پنج شنبه یک هیئت از طرف حزب سوسیال

دمکرات به چادر رفته و اعلام همبستگی کرده اند. روزنامه استان این دیدار را منعکس کرده و از زبان نماینده پارلمان نوشته است که باید فوراً به خواستهای آنها رسیدگی شود. امروز نماینده پارلمان و عضو حزب چپ آلمان کورنلیا مولر یک بیانیه مطبوعاتی داد و از خواستهای پناهندگان اعتصابی در ورتسبرگ دفاع کرد. پناهندگان اعلام یک میتینگ اعتراضی در روز یکشنبه ۲۵ ماه مارس را داده اند و این حرکت ادامه دارد. این حرکت درسهای فراوانی دارد. اولین درس اینست که دنیا بعد از جنبش ۹۹ درصدیها، دنیای جدیدی است. همبستگی مبارزاتی بین مردم، اهمیت خیابان و بهم پیوستن مردم فارغ از تعلقات مذهبی سیاسی و ملی، یک امر بسیار مهم است. در شهر ورتسبرگ این حرکت به همه ناباوران نشان داد که با گرفتن کاسه گدایی در دست و غیر سیاسی کردن مبارزات پناهندگان نه فقط توجهی به مبارزات جلب نمیشود بلکه کل مبارزه از محتوا تهی شده و به پای این مبارزات عملا شلیک میشود. پناهجویان افرادی هستند که از دست دولتهای دیکتاتور فرار کرده اند و بویژه فراریان از دست حکومتهای جنایتکار و وحشی اسلامی باید فوراً به عنوان پناهنده سیاسی به رسمیت شناخته شوند. این مبارزه باعث شد چند نفر ایرانی معدود ضد کمونیست و طرفدار اصلاحات در حکومت که در تظاهرات قبلی در شهر ورتسبرگ بعد از خودکشی محمد رهسپار با فضا سازی و شانتاژ، در مقابل مبارزات پناهجویان ایستاده بودند، امروز کاملاً حاشیه ای شده و در عمل پاسخ خود را بگیرند. اینجا آلمان است و پناهجویان بهرمان مردم آلمان میتوانند و باید از حقوق انسانی خود دفاع کنند و علیه دولت آلمان به خیابان رفته و در آنجا علیه حکومت فاشیستی حرف بزنند که باعث فرار آنها از ایران شده است. ۹۹ درصدیها در آلمان به یاری پناهجویان آمده اند و پاسخ محکمی به یک در صدیها و به متوهمین و ضد کمونیستها دادند.*



نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

سال ۹۰ اعتراضات

گسترده ... از صفحه ۱

شهلا دانشفر

پیشابنه جامعه را به حد انفجار رسانده است. به عبارت روشنتر سال ۹۰ سال بیکارسازیهای وسیع و هزاران نفره، سال نپرداختن دستمزدها و سال محدودتر کردن و حرس کردن بیشتر معیشت و هر گونه حق و حقوق کارگران بود.

اما در عین حال سال ۹۰ سال اعتراضات گسترده کارگران بود. بویژه انقلابات شمال آفریقا و جنبش جهانی علیه سرمایه داری، جنبشی که وال استریت می نامندش و شعارش قدرت بدست ما ۹۹ درصدیهاست، افق جدیدی در برابر کارگران ایران و کل جامعه قرار داده و تحرك بیشتری به فضای اعتراضی جامعه داد. چنانکه پژواک این جنبش و زمزمه های "والاستریت ایران" را امروز میتوان در جنبش کارگری شنید. نگاهی به مبارزات کارگری در سال گذشته، تصویری گویا و واقعی از چنین اوضاع را به ما نشان میدهد:

۱- سال ۹۰ با اعتراضات هزاران نفره کارگران پتروشیمی ماهشهر شروع شد. و مبارزات با شکوه این کارگران مهر خود را به مبارزات کارگری در این سال کوید و تحرك جدیدی در میان کارگران و کل جامعه بوجود آورد. بطور واقعی تظاهرات هزاران نفره کارگران چند مجتمع پتروشیمی ماهشهر در یکی از صنایع کلیدی وابسته به نفت در جنوب ایران، آنها هم با خواست تعرضی کوتاه شدن دست پیمانکاران و دلالت مفتخور در محیط های کار و قراردادهای مستقیم کارگری يك نقطه عطف و يك اتفاق سیاسی مهم در سال ۹۰ بود. بویژه خواست این کارگران خواستی بود که اساسا بر يك معضل اساسی کل کارگران در ایران از جمله کل کارگران صنعت نفت و مجتمع های بزرگی چون ذوب آهن اصفهان، ایران خودرو و بخش عظیمی از کارگران که با این شرایط برده وار کار به استخدام درآمده و کار میکنند، انگشت میگذاشت. این مبارزه تاثیرات خود را بر مبارزات همین بخش از کارگران و نه تنها این



بلکه معلمان و پرستاران و بخشهای دیگر کارگران نیز گذاشت. اعتصاب قدرتمند هزاران کارگر پتروشیمی ماهشهر در فروردین ۹۰ در واقع اعلام پایان دادن به شکل برده وار قرار دادهای پیمانی بود و این نبرد در سراسر سال ۹۰ جریان داشت. تا اینکه در بیستم دی ماه وقتی کارگران دیدند که به خواستشان پاسخ داده نمیشود، در اقدامی هماهنگ اولتیماتوم به اعتصاب دادند. در عکس العمل به این اولتیماتوم مدیریت و حراست پتروشیمی ها سراسیمه به تقلا در آمدند، خواهان مذاکره با نمایندگان کارگران شدند و سرانجام هم با قبول اضافه کردن مبلغی به دستمزد کارگران خواهان فرصت دیگری برای اجرایی کردن این خواست شدند. بدین ترتیب کارگران پتروشیمی ماهشهر يك قدم دولت اسلامی و کارفرمایان را عقب رانده اند و همچنان بر سر خواستشان هستند و اعلام کرده اند که از خواست خود کوتاه نخواهند آمد و اگر پاسخ نگیرند با قدرت بیشتری به میدان خواهند آمد.

مبارزات کارگران پتروشیمی ماهشهر تاثیرات خود را بر مراکز دیگر کارگری و جلو کشیده شدن خواست کوتاه شدن دست واسطه ها در مراکز مختلف کارگری گذاشته است. از جمله در همین یکساله ما شاهد جنب و جوش بیشتری در مراکز وابسته به نفت و مشخصا پالایشگاه آبادان با طرح همین خواست بودیم. بطور مثال در جایی چون شرکت مینا واقع در شهر صنعتی مورچه خورت اصفهان در همین اسفند ماه ۱۵۰۰ کارگر قراردادی این شرکت که از طریق شرکت واسطه ای نیکو سر برای کارخانه راکتور سازی مینا کار میکردند توانستند بعد از مدتها مبارزه این خواست را به کرسی نشاندند و مدیریت را عقب برانند و به استخدام مستقیم شرکت مینا درآیند.

۲- کشیده شدن اعتراض به مراکز کلیدی کارگری جنبه مهم دیگر

اعتراضات کارگری در سال ۹۰ است و به این اعتراضات وزن بیشتری داده است. علاوه بر پتروشیمی ماهشهر ما شاهد اعتراضات کارگری در مراکز مختلف صنعت نفت و پتروشیمی ها در شهرهای دیگر، کارگران ذوب آهن اصفهان و غیره هستیم. محورهای اصلی این اعتراضات خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار، اعتراض علیه اخراج ها و اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها است. يك نمونه این مبارزات در پالایشگاه نفت آبادان در اردیبهشت ماه است که چندین روز متوالی طول کشید. در این حرکت اعتراضی کارگران تجمع کردند. با نیروی انضامی رژیم درگیر شده و در برابر آنان با شعارهایی چون "کارگر کارگر اتحاد اتحاد" و "مرگ بر استعمار" ایستادند. در تداوم همین اعتراضات در سوم خرداد ماه وقوع انفجار در یکی از قسمت های پالایشگاه و زخمی شدن ۱۱ کارگر، همزمان با افتتاح آن توسط احمدی نژاد، باعث شدت یافتن فضای اعتراض و مبارزه در میان کارگران گردید. گرچه این مبارزات هنوز به عملي شدن خواستهای کارگران منجر نشده است، اما به روشنی نشانگر يك تحول در این مراکز مهم کارگری است. بعد از آن نیز در طول سال ۹۰ ما به مناسبتهای مختلف شاهد اعتراضات کارگران در این مراکز هستیم.

۳- برگزاری اول مه و نقطه اوج آن اول مه سرخ و رادیکال در شهر سنندج يك اتفاق مهم دیگر در جنبش اعتراضی کارگری در سال ۹۰ است. جنب و جوش برای برگزاری اول مه در این سال گسترده بود. صفی از رهبران و فعالین کارگری با قطعنامه ای مشترک جلو آمده و پرچم اول مه را برافراشتند. قطعنامه هفت تشکل کارگری بطور واقعی، کیفرخواست کارگران و کل جامعه علیه توحش سرمایه داری بود و در روز جهانی کارگر، در این روز مهم، کارگران با این کیفرخواست جلو آمدند و اعلام داشتند که دیگر به این بردگی تن نخواهند داد. این قطعنامه و این اتحاد در شکل گیری اول مه بزرگ در شهر سنندج به ثمر رسید. همچنین در این روز کارگران کیان تایر در

ادامه اعتراضات خود بر سر خواستها و مطالباتشان به خیابان آمدند و با پلاکارد گرامی باد اول مه، زندگی انسانی حق مسلم ماست، حرف دل تمام کارگران را بیان کردند. کارگران پاکدشت نیز اعلام داشتند که با مجوز، بی مجوز برای اول مه روز جهانی به خیابان می آیند و این روز را گرامی میدارند.

۳- اعتراض به تهاجم رژیم به زندگی و معیشت کارگران تحت عنوان تغییر در قانون کار يك موضوع مهم دیگر در اعتراضات کارگری در سال گذشته است. از جمله در این رابطه اعتراضات گسترده ای از سوی کارگران به صورت بیانیه و قطعنامه و تجمعات اعتراضی صورت گرفت. تشکلهایی که به همت خود کارگران ایجاد شده است، اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد، کمیته هماهنگی، انجمن صنفی فلزکار و مکانیک و جمع هایی از کارگران به این مناسبت بیانیه دادند و اعتراض خود را اعلام کردند. همچنین حدود سه هزار کارگر در روز ۲۹ آبان در اعتراض به این امر مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع زدند. در این روز کارگران با شعارهای مرگ بر سرمایه داری، تغییر در قانون کار والستریت ایران، اعتراض خود را به کل این نظام و این بربریت اعلام داشتند. در این تجمع اعتراضی کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی که بر رویش نوشته شده بود، کارگر، کارگر اتحاد اتحاد، وزیر بی لیاقت استعفا استعفا، مرگ بر سرمایه دار، و با شعارهای مجلس به این بیبیرتی هرگز ندیده ملت و اشاره به والستریت در واقع به نوعی اولتیماتوم خود را دادند و مقابل مجلس اسلامی را که همواره محل تجمعات اعتراضی کارگران و بخش های مختلف جامعه بوده است، را محل تجمعات بعدی خود اعلام کردند.

نظیر چنین حرکتی را در تبریز نیز شاهد بودیم و در همان روز در این شهرهزاران نفر از کارگران و بازنشستگان آذربایجان شرقی در اعتراض به برده وارتر شدن شرایط حاکم بر کارشان تجمع کردند و با شعارهایی نظیر "کارگر ایاخدی اوز حقیقینه دایاخدی" (کارگر بیدار است،

از حق خود آگاه است) و "وزیر بی لیاقت استعفا استعفا" سر دادند.

۴- مقابل مجلس اسلامی به محل تجمعات اعتراضی هر روزه کارگران و بخش های مختلف جامعه تبدیل شده است. سال گذشته ما شاهد نمونه های جالبی از چنین تجمعات اعتراضی بودیم. علاوه بر تجمع نزدیک به سه هزار کارگر در روز ۲۹ آبان در این محل، میتوان به تجمعات پی در پی کارگران بازنشسته ذوب آهن در این محل اشاره کرد. حتی در يك مورد در آذرماه سال گذشته کارگران بازنشسته از شهرهای مختلف شمال و خراسان، خود را به این محل رساندند و اعتراض خود را به تعویق دستمزدهایشان اعلام داشتند. از جمله دیگر تجمعات کارگری مقابل مجلس اسلامی، تجمعات کارگران از شهرهای مختلف است که به تهران می آیند. این نوع حرکات اعتراضی را اساسا در میان کارگران نساجی های قزوین و شمال بسیار میتوان دید.

۵- مورد دیگر حائز اهمیت در مبارزات کارگری در سال ۹۰، تبدیل شدن مراکز کارگری در شهرهای معین به کانون های دائمی اعتراض و مبارزه است. این مراکز اعتصابی و در حال اعتراض، تاثیرات خود را بر دیگر کارخانجات و حتی بعضا در کل شهر گذاشته اند. نمونه هایی از این کارخانجات، مخابرات راه دور در شیراز، لوله سازی خوزستان، نساجی های قزوین، نساجی قائم شهر و ذوب آهن اصفهان است.

ذوب آهن اصفهان یکی از مراکز دائمی اعتراض در سال ۹۰ بود. کارگران ذوب آهن با راهها در رابطه با دستمزدهای معوقه خود دست به تجمع و اعتراض زدند. از جمله در آذرماه سال گذشته دو هزار نفر از این کارگران در مقابل درب ذوب آهن تجمع داشتند و در طول این ماه مرتباً تجمع کردند، جاده بستند، پیکت اعتراضی برپا داشتند و شعار دادند و فریاد زدند تا دو ماه دستمزد عقب مانده خود را نقد کنند. اعتراضاتی که نهایتا مقامات ذوب آهن و دولت را به عقب نشینی واداشت و ناگزیر شدند بخشی از

سال ۹۰ سال اعتراضات گسترده ...

از صفحه ۱

را بگیرند.

نساجی قائم شهر نیز در سال ۹۰ همواره مرکز اعتراضات کارگران در این شهر بوده است. در آذر ماه امسال بود که کارگران این کارخانه هنگامی که از حضور احمدی نژاد در این شهر به مناسبت سالگرد مرگ علی کردان وزیر سابق کشور با خبر شدند، با راهپیمایی خود را به آنجا رساندند. در همانجا بود که یکی از کارگران معترض با پرتاب لنگه کفشی بطرف احمدی نژاد خشم و اعتراض خود را بیان کرد. کارگری که بعدا خبر دستگیری او در سایتهای جمهوری اسلامی انعکاس یافت. این کارگران دستمزد بیش از یکماه خود را طلب دارند.

نمونه دیگر از چنین مراکز لوله سازی خوزستان است. خوزستان منطقه ای است که خود حکومت بارها از برگزاری جلسات بحران در رابطه با اعتراضات کارگری و مشخصا مبارزات کارگران لوله سازی سخن گفته است. این کارگران ۲۹ ماه دستمزد خود را طلب دارند. این کارگران چندین سال است که بطور مرتب با تجمع کردن و راهپیمایی و اعتراضات تکه تکه دستمزدهای معوقه خود را توانسته اند از حلقوم مفتخوران جمهوری اسلامی بیرون بکشند و همچنان بر خواست کاراندازی دوباره کارخانه و پرداخت بموقع دستمزدهایشان تاکید دارند.

و بالاخره میتوان در ردیف همین کارخانه ها از کشت و صنعت شوشتر نام برد. در این کارخانه در دی ماه و اسفند ماه ما شاهد اعتراضات گسترده ای در میان کارگران بودیم. بطوریکه در دیمه کارگران این کارخانه با نیروی سرکوبگر درگیر شده و کارخانه را تحت کنترل خود در آوردند. در اسفند ماه نیز ۳۰۰۰ کارگر نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر که در روزهای ۲۱ و ۲۲ اسفند در اعتصاب بودند، سرانجام پس از اعلام عقب نشینی مدیریت و وعده عملی کردن خواستههایشان، به سر کار بازگشتند. اما اعلام داشتند که در صورتی که خواست آنها مبنی بر اجرای طرح طبقه بندی مشاغل اجرا نشود، اینبار ۵۰۰۰ کارگر این

شرکت دست به اعتصاب و راهپیمایی خواهند زد.

از نمونه های دیگری از این دست میتوان کارخانجات نساجی کاشان، کشت و صنعت کارون، آوانگان اراک، کارگران سد گنوند، کیان تایر، پارس متال، نورد لوله صفا، ریسندگی پرریس سنندج، پرهون طرح در نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج و صنایع فلزی در تهران، را نام برد.

۶- وجه مهم دیگر اعتراضات کارگری در سال ۹۰، نسبتا طولانی بودن این اعتراضات و پافشاری متحدانه کارگران بر خواستههایشان است. نمونه هایی چون پتروشیمی ماهشهر، و نمونه های مختلفی از اعتراضات کارگری در شهرهای مختلف را جلوتر اشاره کردم. موارد دیگر آن، اعتراضات کارگران متروی اهواز، مخابرات راه دور آبادان، شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز است. در متروی اهواز اعتصاب کارگران در شهریور ماه، ۲۲ روز بطول انجامید. در مهر ماه نیز کارگران شرکت بیمانکاری پتروشیمی در پتروشیمی آبادان یکماه تمام در اعتصاب بودند.

۷- در سال ۹۰ همچنین نمونه هایی از تجمع کارگران بیکار و جوانای جویای کار در آبادان را داشتیم که به نوبه خود الگوی خوبی از اعتراض و مبارزه علیه بیکاری و برای خواست بیمه بیکاری بدست داد.

۸- تجمع خانواده های کارگران زندانی و حمایت بخش هایی از مردم از این تجمعات برای آزادی کارگران زندانی شریف ساعد پناه و مظفر سرشناس و اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران یک حرکت اعتراضی مهم در سال ۹۰ است. حرکتی اعتراضی که بعد از دو هفته به موفقیت رسید و کارگران توانستند این دو فعال کارگری را از زندان آزاد کنند. بعد از آنهم وقتی که سرکوبگران حکومت دست به دستگیری های دیگری در این شهر زدند، باز با تجمعات اعتراضی خانواده های این کارگران و حمایت مردم روبرو شدند. این حرکت اعتراضی بطور واقعی الگویی در مقابل همه کارگران و کل جامعه قرار داد تا با تجمعات اعتراضی خود و

همراه با خانواده های کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، زندان این ابزار سرکوب را از دست جمهوری اسلامی بگیرند و درب زندانها را بکشایند.

اینها همه گوشه هایی از اتفاق مهمی است که در سال ۹۰ در جنبش کارگری ایران شاهدش هستیم. و تصویری گویا از یک فضای فعال در

جلاد کهریزک و همه سران حکومت را ... از صفحه ۱

خواست بحق همه مردم و یک محور جنبش سرنگونی طلبانه مردم است و در روند به زیر کشیدن این حکومت، همه آنها به جرم جنایت علیه بشریت به محاکمه کشیده خواهند شد.

حزب کمونیست کارگری از مبارزات بازنشستگان تامین اجتماعی حمایت میکند و همه کارگران و مردم را به گسترش مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپا کردن جامعه ای انسانی، آزاد و برابر و مرفه فرا میخواند.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ اسفند ۱۳۹۰، ۱۹ مارس ۲۰۱۲

شب همبستگی با کارگران زندانی در ایران

در پشتیبانی از مبارزات کارگری در ایران برای آزادی کلیه کارگران

جمهوری اسلامی بار دیگر حملات سرکوبگرانه خود را متوجه فعالین جنبش کارگری کرده است.

هنوز تعداد زیادی از فعالین تشکلهای کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی در زندانند که این رژیم سرمایه داری سرکوبگر همزمان با تشدید فقر و فلاکت در جامعه در عرض کمتر از یک ماه چندین فعال کارگری دیگر را نیز دستگیر کرده است.

از عموم حامیان جنبش مبارزاتی کارگری در ایران دعوت میکنیم که با شرکت در این مراسم، همبستگی خود را با کارگران زندانی و جنبش کارگری ایران اعلام دارید و بر آزادی بی قید و شرط کلیه فعالین کارگری و انسانهایی که تنها جریشان دفاع از منفعت طبقه کارگر است تاکید کنید.

سخنرانی و پیامهای همبستگی، شعرخوانی، اجرای موسیقی و آواز، نمایش ویسئ

زمان: یکشنبه، اول آوریل ۲۰۱۲، ساعت ۶ تا ۹ شب
مکان: سالن کتابخانه مرکزی نورت یورک، طبقه دوم، ۵۱۲۰ خیابان یانگ
برگزارکنندگان:
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران - کانادا
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا
شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران - تورتو - کانادا
اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - کانادا
برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ها و ایمیل زیر تماس بگیرید.

Phone: 647-298-0409
& 416-997-2945
E-mail:
shora.poshtibani@yahoo.com

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بازتاب هفته

تروریسم از اسلو تا تولوز!



بهروز مهر آبادی

بیشتری را به قتل برساند، اظهار پیشیمانی کرد.

اعلام شده است که "محمد" "مراح" الجزایری الاصل و متولد فرانسه است. نام او در کنار "آندرس برینگ برویک" قرار گرفت که در تابستان گذشته با انگیزه های راسیستی و مسیحی گری افراطی ۹۲ نفر و از جمله ۸۵ کودک و نوجوان را در نروژ قتل عام کرد. "محمد" و "آندرس" هر دو سربازان خدا در یک جنگ صلیبی بودند، با دو اوینفرم متفاوت و در دو لشکر مختلف. بیشترین قربانیان این نبرد مردم بیدفاعی هستند که هیچگونه منفعتی در این نبرد و هیچ دلبستگی به این دو لشکر ندارند. قساوت این دو گروه تروریست نه فقط از روی عقب ماندگی فکری و ارتجاعی بودن آنها بلکه به دلیل شکست، انزوا و منفور بودن در افکار عمومی مردم جهان است. آنچه به این دو ارتش تروریستی امکان بقا و حیات داده است، حکومت های اسلامی و اسلام سیاسی از یک سو و بحران عمیق سرمایه داری در کشورهای اروپایی و آمریکا، از سوی دیگر است.

"محمد" و "آندرس" محصول سیاست نسبیته فرهنگی، گتو سازی و جامعه "چند فرهنگی" حاکم بر فرانسه و نروژ هستند. جامعه و سیاست حاکم بر این دو کشور نتوانسته چیزی بجز نفرت مذهبی و قومی و تفکر برتری نژادی به آنها عرضه کند. انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در ماه آپریل امسال برگزار می شود. بخش عمده تبلیغات انتخاباتی نیکلای سارکوزی رئیس جمهور فعلی در مورد کردن قوانین سختگیرانه تر در مورد مهاجران و پذیرش پناهندگان به فرانسه و همچنین برقراری حکومت نظم و قانون در این کشور بوده است. او تلاش کرده است تا مهاجران را مسئول بحران عمیق سرمایه داری فرانسه وانمود کند و مصمم است تا سلاح "نظم و قانون" را مقابل جنبش ضد سرمایه داری "اشغال وال استریت" صیقل دهد. این سیاست می تواند

عقب مانده ترین گرایش های اجتماعی را پشت سر سارکوزی جمع کند و در عین حال بستر مناسبی برای باز تولید "محمد مراح" و آندرس برویک فراهم کند.

وقایع تروریستی تابستان گذشته در نروژ و چند روز اخیر در فرانسه نشان داد که تا زمانی که زمینه های زندگی و رشد تروریسم وجود دارد، مردم نمی توانند امنیت و آسایش داشته باشند. مقابله با سیاست نسبیته فرهنگی، تلاش برای ایجاد جوامعی که همگان مستقل از رنگ پوست، محل تولد و اندیشه خود، از حقوق و امکانات برابر و انسانی برخوردار باشند [زودن هر گونه دخالت مذهب در امور اجتماعی و سیاست و تقویت سکولاریسم و منزوی ساختن گرایشان ناسیونالیستی می تواند کابوس تروریسم را از زندگی مردم دنیا برای همیشه برطرف کند. *]

از لابلای یک مصاحبه کوتاه

بهروز مهر آبادی

خبرگزاری ایسنا مصلحت ندیده که در روز ۲۷ اسفند پیش از دو سطر از مصاحبه جانشین فرمانده نیروی انتظامی را درج کند. در این مصاحبه کوتاه سردار احمد رضا رادان اعلام می کند که: "طرح امنیت اخلاقی را تعطیل نخواهیم کرد." و "هر فشاری هم که صورت بگیرد آن را تحمل می کنیم." مردمی که تجربه بیش از سه دهه توحش جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگر آن را دارند مخاطب واقعی سردار را می شناسند. گفته های این سردار اسلام پاسخ به رئیس جمهور رژیمشان است که سه روز قبل از آن ضمن ریشخند کردن اعضای مجلس، تلاش کرد خود را مخالف این طرح وانمود کند و مسئولیت سرکوب ها را به گردن باند مخالف خود بیندازد. طرح امنیت اخلاقی در ادامه کوشش همیشگی جمهوری اسلامی برای به نهایت رساندن ابعاد سرکوب و اختناق و دخالت در کوچکترین زوایای زندگی و حتی اندیشه مردم، از اواخر خرداد سال قبل به اجرا در آمد. این طرح در ادامه طرح "ارتقای امنیت اجتماعی"

است که توسط شورای انقلاب فرهنگی و در رأس آن محمود احمدی نژاد، به تصویب رسید و اجرای آن به عهده نیروهای انتظامی، بسیج و چندین نهاد دیگر رژیم گذاشته شد. زنان و جوانان اصلی ترین اهداف این طرح هستند ولی حتی کودکان هم از این طرح در امان نمانده اند و حتی مهد کودک ها و کودکان ها هم از حملات قشون اسلام برای اجرای این طرح، مصون نمانده اند.

هر چند که به توصیه ولی فقیه باندهای مختلف نظام، سعی می کنند در مقابل مردم به روی هم چنگ بیندازند اما انتشار دو سطر از

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

اعتراض پرسنل نیروگاه رامین

به گزارش خبرگزاری رژیم می فارس از اهواز بتاريخ ۲۷ اسفند، تعدادی از کارکنان نیروگاه رامین، بزرگترین نیروگاه حرارتی (بخاری) ایران در یک کیلومتر ۲۰ جاده اهواز - مسجدسلیمان در نزدیکی رودخانه کارون و شمال شرقی اهواز، برای تحقق مطالبات خود اعتصاب غذای چند روزه ای در هفته گذشته داشتند. دلایل این اعتصاب غذا، عبارتند از: ۱- کسر ۳۰ تا ۴۰ درصد حقوق پرسنل بابت مالیات است که گاهی به ۴۰۰ هزار تومان هم میرسد و پرداخت آن از عهده کارکنان خارج است. ۲- اجرائی نشدن قانون تبدیل وضعیت نیروهای پیمانکاری (به گفته اعتصابیون با وجود دستور اکید دولت، نیروگاه رامین به بهانه های مختلف از اجرای این قانون سر باز می زند. این در حالیست که این نیروگاه، مصوبه وزارت نیرو مبنی بر تبدیل وضعیت نیروهای پیمانکاری با بیش از پنج سال سابقه را نیز نادیده می گیرد. ۳- محقق نشدن مصوبه افزایش ۲۰ تا ۲۵ درصدی حقوق کارمندان خوزستانی به دلیل بدی شرایط آب و هوایی (در حالی که این مصوبه از بهمن ماه در تمام استان اجرا شده اما نیروگاه رامین به آن عمل نکرده است. ۴- عدم نظارت صحیح بر عملکرد پیمانکاران به ویژه در محاسبه سوابق کارکنان و تبعیض در اعطای حقوق و مزایا و پاداش بین پرسنل رسمی و پیمانی.

اخراج کارگران شرکت نو آرنده و عدم پرداخت دستمزدها

در آخرین روزهای پایانی سال بنا به دستور مدیریت شرکت وارداتی نو آرنده ۱۹ نفر از کارگران از کار اخراج و بیکار شده اند. اخراج کارگران در حالیست که دستمزدها و پاداش پایان سال کارگران تا روز ۲۱ اسفند پرداخت نشده بود. اعتراض و پیگیری کارگران برای بازگشت به کار تاکنون بی نتیجه بوده و مدیریت در جواب کارگران معترض و اخراجی گفته است: من که تعهد نداده ام تا شغل و هزینه های زندگی شما کارگران را تامین کنم، تا امروز به شماها نیاز کاری داشته ام از این به بعد نمیخواهم. کار ما واردات است، به دلیل محاصره اقتصادی و تحریمها دیگر به ما جنس نمیدهند. شرکت در حال ورشکستگی و رکود است. شما کارگران هم به سلامت.

اعتصاب کارگران خدماتی بیمارستان بعثت سنندج

بنابه خبری که کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز ۲۹ اسفند منتشر کرده است، تعداد ۳۲ نفر از کارگران خدماتی بیمارستان بعثت سنندج که با شرکت پیمانکاری "ارمغان جوانان کردستان" طرف قرارداد بودند به دلیل عدم دریافت حقوق ۲ ماه گذشته و عیدی خود، از تاریخ ۲۷ اسفند به مدت دو روز وارد اعتصاب شده و خواهان دریافت حقوق معوقه ی خود شدند.

بازتاب هفته

اوباما همیشه با اونا!

یاشار سهندی

دیگر (یعنی حمله نظامی) روی میز است، این یعنی تهدید به نابودی کامل زندگی مردم ایران، بعد میگوید برای ارتباط بیشتر مردم ایران سفارت مجازی راه انداخته اند تا مردم ایران و آمریکا همدیگر را بیشتر بشناسند!

البته خانم کلینتون، آقای بان کی مون، و وزیر دفاع انگلیس و جناب نخست وزیر انگلیس و شیمون پرز هم پیام نوروزی خطاب به "ملت ایران" دادند و از صلح و دوستی فرهنگ باستانی نوروز گفتند و البته در طول سال همیشه یادآوری میکنند که "گزینه های دیگر روی میز است." خامنه ای هم البته جواب همیشگی خود را به ایشان داده است و "تهدید را با تهدید" پاسخ داده است. جمهوری اسلامی نمیتواند کوتاه بیاید و "تا باردیگر وارد مناسبات جهانی" شود، اوباما و دیگران هم همینقدر میخوانند که ایشان کمی رام شود تا مجبور نشوند در "مسائل حقوق بشری" دخالت کنند. جمهوری اسلامی حکومتی بسیار وحشی تر از جمهوری آذربایجان آفریقای جنوبی است اما هیچگاه این کشور تهدید به حمله نظامی نشد بلکه خیلی ساده وقتی دولتها غربی نتوانستند دیگر به روی این شیوه آشکارا ضد انسانی حکومت وقت آفریقای جنوبی ماله بکشند این حکومت را "تحریم سیاسی" کردند. اما جنایتکارانی مانند محمد جواد لاریجانی، یکی از سه برادر لاریجانی، به شورای حقوق بشر دعوت میشود میکروفن در اختیارش قرار میگیرد که از حقوق بشر اسلامی دفاع کند که نتیجه اش شکنجه و تجاوز و اعدام و سنگسار و چشم در آوردن و از بلندی پرتاب کردن و نقص عضو کردن است. میگویند بالاخره يك کسی باید باشد که با آنها مذاکره کرد!

پیامهای نوروزی به اسم "ملت ایران" است اما به کام دولتمردان ایران اسلامی است. ایشان همیشه با اونا حرف داشتند نه با "ملت ایران". مردم ایران از نظر سران دولتهای غربی هیچگاه نه سر پیاز بوده اند نه ته پیاز و وقتی هم صدایشان در آمده دول غرب همیشه "با اونا" علیه ما

تابستان سال ۸۸ مردم ایران در خیابان با يك شعار ساده تمام دستگاه دیپلماسی آمریکا را به چالش کشیدند. شعار این بود که "اوباما یا با اونا یا با ما". پرزیدنت اوباما سکوت همراه با رضایت داشت که با "اونا" است تا با مردم. عید ۸۸ هم به خامنه ای پیغام داده بود که بیایید با هم مذاکره کنیم. عید ۸۹ ظاهراً اوباما يك کمی از "اونا" فاصله گرفت و پیامش رو به "فرهنگ باستانی ایران" بود. امسال که دو سال از سرکوب خونین ۸۸ گذشته و هنوز کسی چهره ندا را به عنوان سمبل کشته شدگان انقلاب ۸۸ از یاد نبرده اوباما هنوز نشان میدهد که با "اونا" است. رادیو فردا گزارش کرده است باراک اوباما، در پیامی اختصاصی به مناسبت نوروز ۹۱ اعلام کرد که اگر حکومت جمهوری اسلامی پای در راه انجام مسئولیت هایش بگذارد بار دیگر در میان جامعه جهانی جای خواهد داشت. "آقای اوباما در عین اشاره به تنش میان دو کشور ایران و آمریکا که در سال گذشته افزایش یافت به دستاوردهای ایرانیان آمریکا و جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی برای «جدایی نادر از سیمین» اشاره کرد و گفت که "دلیلی برای جدایی ایران و آمریکا وجود ندارد" بعد هم سر مردم ایران منت گذاشت و گفت سعی خواهند کرد "برده الکترونیکی" را بشکنند و خدمات اینترنتی راحتتر در دسترس مردم ایران باشد! پرزیدنت اوباما تاکید کردند "سرکوب آرا و عقاید باعث از میان رفتن آنها نمی شود". پرزیدنت اوباما ضمن تاکید گسترش تحریمها گفت به شرکتهای آمریکایی دستور داده است که خدمات اینترنتی را تسهیل کنند. پرزیدنت اوباما خیلی ساده شعار مردم ایران را برعکس اجرا میکنند پیامش رو به "ما" است ولی حرفش با "اونا" است. به در میگوید تا دیوار بشنود! از گسترش تحریمها میگوید که این خود زندگی مردم ایران به شدت تهدید میکند و همیشه یادشان نمیروند که تاکید کنند که گزینه های

بوده اند. نه تحریم اقتصادی لازم است، نه سفارت مجازی. خیلی ساده؛ سفارت خانه های جمهوری اسلامی را ببندند، نمایندگان این حکومت را به هیچ نهاد بین المللی راه ندهند. حقیقت اما این است که این اقدامات نهایتاً در جهت تقویت جنبش سرنگونی و انقلاب مردم ایران است و اوباما ها دقیقاً همین را نمی خواهند برای همین تا جا داشته باشد با "اونا" خواهند بود. *

سال ۹۰ و طنین "نه" مردم به اعدام

مهراب دشتی

سال ۱۳۹۰ از لحاظ جنایت دولتی اعدام، یکی از سال های سیاه دوران حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی به شمار می رود. آمارهای چندین ساله ی مجامع و نهادهای بین المللی نشان می دهد که رژیم آدم کش جمهوری اسلامی در قرن ۲۱ هنوز در شمار نخستین کشورهای اعدام کننده قرار دارد. اعدام آنها بر اساس عقب مانده ترین سنتهای اسلامی نظیر قصاص يك ابزار مهم حکومت اسلامی علیه مردم است. اما در سال ۹۰، در مقابل اعدام صدها نفر در زندانها، چند اتفاق معنی دار در زمینه ی نه به اعدام، از سوی خانواده ی کشته شدگان صورت گرفت. تعداد این اتفاقات در برابر اتفاقات تلخ اعدام و کشتار دولتی، بسیار کم است و قابل قیاس با شمار اعدام و جنایت حکومت نیست. اما کیفیت این اتفاقات مردمی، به حدی است که می توان نباید آن را در مقابل جانیان بزرگ کرد و مانند يك پرچم، بالای دست گرفت و به دنیا نشان داد و تلاش نمود تا آن را به صورت يك رفتار پسندیده و يك فرهنگ انسانی نهادینه کرد. به زبان دیگر، اگر کمیت جنایات رژیم در پروژه ی اعدام در سال ۹۰ نسبت به سال و سال های گذشته، افزایش یافته در عوض در جبهه ی مقابل نیز اگرچه به تعداد کمتر، ولی از لحاظ کیفی تلاش های خوبی از سوی مردم بوقوع پیوسته است. خلاصه در سالی که گذشت خانواده چند مقتول و قربانی، با عفو و بخشش قاتلین فرزندان و بستگان خود، دست رد بر عرش سیری ناپذیر جانیان حکومت زدند و در نوع خود توانستند تیغ کشتار حکومت را

کند سازند. در عین حال اعلام کردند که علیرغم فجایی که برایشان روی داده حاضر به تایید سنت اسلامی انتقام و شریک شدن در جنایات حکومت اسلامی نیستند. روشن است که این حد از مقاومت در برابر اعدام هنوز کافی نیست و باید فعالانه همچون مردم سیرجان چوبه های دار و اعدام را به همراه حکومت مدافع آن در هم شکست و جنبش علیه اعدام را در سراسر جامعه به جریان انداخت. اما امتناع از شرکت در سیاست انتقام و جنایت حکومت خود يك گام مهم از گامهای بزرگ بعدی است. به عنوان نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- آمنه بهرامی که توسط خواستگار خود مورد اسیدپاشی قرار گرفته و بینایی و زیبایی چهره اش را از دست داده بود، با عفو و بخشش ضارب خود ضمن نشان دادن جنبه ای از بزرگی روح انسانی و احترام به حق حیات انسانی به عنوان مهم ترین و عزیز ترین حق انسانی، داغ انتقام را بر دل کارگزاران رژیم خونخوار گذاشت. او حتی خواستار این نشد که مثلن دیه بگیرد و وارد معامله شود.

۲- دو برادر که در يك نزاع، جوانی به نام محسن را کشته بودند، از سوی پدر و مادر محسن بخشوده شدند. پدر و مادر محسن فقط از خانواده ی قاتلین خواستند که به یاد محسن، مدرسه ای بسازند.

۳- اتفاق مشابهی در جنوب کشور افتاد که خانواده ی مقتول از خانواده ی قاتل خواستند تا به جای کشته شدن فرزندشان و خون بها! يك باب مدرسه ساخته شود تا کودکان در چادرها و کپر ها درس نخوانند.

۴- قاتلین يك راننده ی آژانس مسافری، توسط خانواده ی راننده، بخشوده شدند و از مرگ نجات

یافتند.
۵- قاتل پسر جوانی که در زرن کرمان کشته شده بود، توسط خانواده ی مقتول از اعدام نجات پیدا کرد.

موارد دیگری که علی رغم تلاش های بیادگاه های جمهوری اسلامی، خانواده های قربانیان از صحنه گذاشتن بر کشته شدن کسانی که بنا بر علتی موجب مرگ کسان دیگری شده اند، خودداری کرده اند. همان طور که گفته شد شاید تعداد این اتفاقات نیک در برابر وقایع تلخ و جنایتکارانه ی اعدام، کم باشد ولی اثر مثبت و مفیدی که عدم رضایت خانواده ها ی مقتولین بر اعدام قاتلین دارد بسیار بیشتر از هر انتقام است. چرا که در انتقام که سیاست اصلی حکومت اسلامی و همه حکومتهای طرفدار اعدام است، جز رواج کینه و کشت و کشتار و دائمی کردن این مسابقه ی کور جنایت، حاصل دیگری عاید جامعه نمی شود. اتفاقاً به دلیل اثرات سازنده و افشاگرانه ای که این نه گفتن به اعدام دارد، اخبار این رفتارهای زیبا و هستی بخش و زندگی ساز، در رسانه های رژیم منعکس نمی شود و اگر هم بناگزریر منعکس می شود، در کادر و فرمتی بسیار کوتاه و کوچک و در صفحات میانی روزنامه ها درج می شود. اما همین قدر نیز، فریاد بلند انسانیت است که از وجدان بیدار انسان های شریف و جان های شیفته برمی خیزد. باید که این فریاد بلند، در گوش جهانیان طنین انداز شود. و همانگونه که اشاره شد با برپاداشتن جنبش گسترده و فعال به دوره جنایات دولتی و همه دولتهای جنایتکار برای همیشه پایان داد. *



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

بازار مکاره پیغمبر سازی و ...

زمانی که انقلاب ۵۷ و اعتصابات و شوراها کارگری گریبان نشان را گرفت و شاه رفتنی بود، زیر بال خمینی را گرفتند و به پاریس بردند و به رهبر روحانی انقلاب تبدیلش کردند. حالا که انقلابی دیگر در افق است و جمهوری اسلامی آینده ای ندارد، پسر شاه را به "چهره سال" تبدیل میکنند تا مگر به وقت وقتش اوضاع پس از جمهوری اسلامی را برایشان جمع و جور کند. البته اگر بتواند، چون مقایسه ساده موقعیت خمینی در آن سالها و موقعیت رضا خان دوم نشان میدهد که ایشان حال چندان خوبی ندارد.

هستیم (که در دنیای واقعی مظهر اراده طبقه حاکمه است)، اگر هم رای ندهید بالاخره احترام قائل شوید. یعنی خداترس و خرافاتی فرض شده اید. الله و دین اسلام بدجوری منفور شده و بی بی سی دارد گرد و خاک پیغمبر ایرانی را میزداید و دوباره او را از سوی خدا مامور نجات بندگان ایرانی میکند. ممکن است به کوروش رای ندهید اما برای کشورگشایی که مثل اسکندر و چنگیز و محمد و دیگران خون ریخته و جهانی را زیر سلطه شمشیر خود و طبقه حاکمه زمان خود در آورده نه فقط احساس بدی نداشته باشید بلکه به یمن اینکه از "ایران زمین" برخاست و گویا به اندازه بقیه همقطارانش چشم در نیاورده و آدم زیر پای فیل له نکرده و به مذهب قریانیان خود "احترام" گذاشته به او جایزه هم بدهید. یا اگر بخواهید معاصر فکر کنید از چهارچوبه جنبش ملی اسلامی که مصدق "چهره" آنست ولی پایه مادی و اجتماعی همین جمهوری اسلامی بوده نمی توانید خارج شوید. همه هنر مصدق ظاهرا این بوده که نفت را ملی کرد، "استقلال" داشت و غیره. شعارهایی که لااقل جمهوری اسلامی و خمینی صدار بیشترش را به اجرا درآورده و نشان داده که چه جنایت و استثمار و انحطاطی در پس آن نهفته است.

خلاصه آنکه می بینید که "بی بی سی" نه به سطحی گری "وی او ای" اما دقیقا در همان راستا دارد زمینه فکری و فرهنگی آلترناتیو بعدی بورژوازی در ایران را به اسم نظر سنجی فراهم میکند. بطور ظریفتری دارد سعی میکند دائره انتخاب و تفکر مخاطب خود را به دنیایی محدود کند که همچنان گذشته بر حال حاکم است، ناسیونالیسم و ملی گرایی بر انترناسیونالیسم و جهانی گری و انسانیت حاکم است، از ما بهتران و نمایندگان طبقه حاکمه قرار است درست مثل کوروش کبیر با مهر و عطوفت و عنایت حقوق بشری که شایسته "سایه خدا بر زمین" است بر مردم یا همان بندگان خدا حکومت

کنند. یعنی همین آش و کاسه جمهوری اسلامی بعلاوه قدری پیماز داغ "ایران زمین" و "حقوق بشر" و "صندوق رای" و "نظر سنجی" کذایی. برای اینکه نشان داد این سناریو تا چه حد مضحک و تا چه دردتجاعی و در عین حال پوچ است، خویست به این توجه کنیم که حتی از درون خود جمهوری اسلامی "چهره" هایی نظیر احمدی نژاد و مشایی کاملا متوجه آن هستند و میکوشند جمهوری اسلامی را با ایرانیت و منشور کوروش و حتی متعارف کردن رابطه با غرب و غیره بزرگ کنند تا مگر دایره شمولیت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را گسترش دهند و آنرا باقی نگذارند. "وی او ای" و "بی بی سی" در همان راه احمدی نژاد قدم بر میدارند. احمدی نژاد میکوشد از درون جمهوری اسلامی و تغییر گام به گام به آن برسد، اینها برای انجام همان کار از خارج از حکومت اسلامی دارند تدارک می بینند.

سوال واقعی این است که آیا نسلی که قهرمانش "ندا" و "علیا المهدی" است، نسلی که در عصر اینترنت زندگی میکند و به کل تاریخ تمدن و تفکر بشر دسترسی دارد و خود را شهروند جهان میداند، نسلی که خود در تظاهرات های میلیونی شرکت کرده و می بیند منشأ تغییر واقعی انقلاب و جنبش التحریر و به میدان آمدن ۹۹ درصدی هاست، اجازه میدهد که چنین سناریوهای مسخره و گنبدیده ای متحقق شود؟ واضح است که این نسل و همه مردمی که زیر دست و پای شاهان و ملها و سرمایه داران له شده اند نهایتا ناکزیرند که در دفاع از نفس زندگی و انسانیت بساط این حضرات را برچینند. اما این خود بخود متحقق نمی شود. با توجه برتری مالی و تبلیغاتی و سازمانی بورژوازی این امر تلاش و کوشش زیادی بویژه از سوی نیروهایی چون حزب ما می طلبد. باید با تمام قوا به میدان آمد و اینگونه نظر سنجی ها و تشبیهات امثال بی بی سی و وی او ای را افشاء کرد و تضمین کرد به همان جایی ختم میشود که تلاش های احمدی نژاد و مشایی منجر شده است. (۲۲ مارس ۲۰۱۲)*

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۷۳۹۸۱۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید

زنده باد سوسیالیسم!

گزارشی از جشن نهاد کودکان مقدمند در استکهلم

گزارشگر: ودا ایلکا

نهاد کودکان مقدمند در استکهلم بمناسبت سال نو جشن با شکوهی برای کودکان در روز شنبه ۱۷ مارس از ساعت ۱۷ الی ۲۰ در هوسبی ترف برگزار کرد. برگزاری جشن یکی از مجموعه کار و فعالیت‌هایی نهاد کودکان مقدمند می باشد که به مناسبت‌های گوناگون انجام می دهد. معمولاً رسم بر این بوده است که برگزاری جشنها برای بزرگسالان بوده است. نهاد کودکان مقدمند تصمیم گرفت که این سنت را بشکند و به مناسبت‌هایی که شادی آور است جشنهایی را بر کودکان ترتیب دهد. جشن ۱۷ مارس یکی از این جشنها بود. در این جشن تعداد قابل ملاحظه‌ای از کودکان، مادر و پدران به استقبال آن رفتند و در آن شرکت داشتند.

این جشن با برنامه‌های مختلفی از جمله موسیقی، رقص، تاتر کودکان، جایزه، کادو، غذا و نوشیدنی به اجرا درآمد. این جشن با همکاری فعالین نهاد کودکان مقدمند در استکهلم و دوستان عزیزی که علاقه به کار با کودکان دارند برگزار شد. تعداد زیادی از رادیوها و سایتها در این رابطه ما را همراهی کردند. فعالین نهاد کودکان مقدمند از جمله ودا، گلشن و نوا با رادیوها در تماس بودند و یا آفیشها را در سطح وسیعی در محلهای پر رفت و آمد پخش کردند. و تعدادی دیگر از رفقا با علاقه و شور و شوق در بخشهای مختلف

جشن شرکت داشتند از جمله، پخش موسیقی و رقص، کیان آذر و ورونیکا، عکس و فیلم رضا تنهیه غذا گلشن و سیما، ورودی گیتی و ترتیب کادوها و جایزه، ودا و تزیین سالن، مرجان و افسانه و گروهی که مخصوص نقاشی روی صورت بچه ها بودند، مهدیس و رویا و... همچنین سفره هفت سین، نوا و... در این جشن عزیزانی چون پی پی لونگسترم خانن و عمو نوروز، حمید نیز حضور داشتند.

این جشن به زبانهای فارسی و سویدی توسط مجریان، افسانه و حمید برگزار شد جشن با موسیقی شاد و دلنشینی شروع شد و بعد از چند دقیقه گروه رقص کلمبیایی که از تعدادی دختران زیر ۱۶ سال تشکیل شده بود شروع شد. این دختران با لباسهای بسیار زیبا و بلند با رنگهای مختلف و شاد به رقص و پایکوبی شروع کردند که یک گروه موسیقی مخصوص نیز همایشان میکرد، این رقص به دفعات مختلف و نوعهای مختلف انجام گرفت. دخترانی که لیخن بر لبانشان و با احساسی شگفت انگیز کودکان عزیز را شاد کردند.

بعد از این رقص زیبا و پر هیجان و یک قطعه موسیقی شاد، تاتر برای کودکان عزیز داشتیم که اسمش رقص کلاه بود که یکی از هنرمندان عزیز ما حمید نخعی اجراش کرد که رقصی بسیار زیبا بی برای کودکان بود. بعد هم زمان شام رسید که

همزمان موسیقی زیبا بی هم پخش میشد. البته از یاد نبریم که پی پی لونگسترم عزیز ما هم در حال شیطونی و سرو صدا با کودکان و دادن سکه های طلا به آنها بود. در همین میان عمو نوروز با دو کیسه بسیار بزرگ پر از کادو برای کودکان آمد، که بی صبرانه منتظرش بودند. عمو نوروز با عصایی که او را کمک میکرد در آوردن کادوهای رنگارنگ و سنگین رسید از راه رسید و وقتی که کودکان منتظر را دید چهره اش پر از لیخن شد و با کودکان خوش و بش کرد و شروع به دادن کادوها نمود، در این لحظات زیبا بچه ها با عمو نوروز عکس یادگاری انداختند با سرو صدایشان جشن را بسیار پر هیجان و جالبتر از آن کردند که ما فکرش را میکردیم و از طرفی پدر و مادر ها مشغول گرفتن عکس و فیلم از کودکانشان با عمو نوروز در این لحظات جالب و بیاد ماندنی بودند که شبی شاد را برایشان بیادگار میگزارد

بعد از دادن کادوها عمو نوروز و کودکان با هم رقصیدند و شادی کردند و او سرحال از کودکان خداحافظی کرد و محل جشن را ترک کرد حالا اگر نوبتی هم باشه نوبت جایزه ها بود که پی پی لونگسترم (فانی) زحمت کشید در طی برگزاری جشن تمام لوتو ها را فروخت و به بچه ها سکه های طلا داد و هر کسی برنده می شد جایزه اش را از پی پی لونگسترم میگرفت در آخر جشن کریم شاه محمدی



از فعالین حقوق کودک و و عزیزانی که با علاقه مندی به کار با کودکان در این جشن ما را یاری کردند نهاد کودکان مقدمند در استکهلم آرزوی زندگی بهتر و بهاری نو برای شما عزیزان را خواهان است

مسئول نهاد کودکان مقدمند در استکهلم از تمام مهمانان و شرکت کنندگان در این جشن سپاس و قدردانی کرد و آرزوی دنیایی شاد باین و خلاق را برای کودکان عزیز داشت و همچنین سپاس و قدر دانی

قرار دهند. بنابراین تامین رفاه اجتماعی بدون سود در گرو این است که ۹۹ درصدی ها قدرت را از چنگ اینان درآورند و امکانات و ثروت جامعه را در خدمت تامین نیازهای شهروندان بکار گیرند و رفاه اجتماعی را بدون توجه به سودآوری سازمان دهند. بر سردر چنین جامعه ایی نوشته شده است: اینجا سود حکومت نمیکند، بلکه اساس کار جامعه تامین نیازهای انسان است. تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران - سود

مکان: استکهلم- در مقابل Landstingshuset - Hantverkargatan 45
تلفن تماس: افسانه وحدت 0702468454

تامین مسکن و خدمات شهری مناسب برای همه. یعنی تامین کار برای شهروندان و یا پرداخت بیمه بیکاری مکفی به همه بیکاران کشور. اما کسانی که بر مسند قدرت نشسته اند به سود فکر میکنند نه به نیازهای پایه ای شهروندان.

در زمینه رفاه اجتماعی، مشکل خصوصی و یا دولتی بودن نیست. مشکل نظام سرمایه داری است که در آن همه چیز کالا است و بهداشت و درمان انسانها کسب و کاری است برای سودبری. مشکل آنجاست که یک درصدی ها دارند بر ما حکومت می کنند. هر چهار سال یکبار از ما رای می گیرند تا به نفع سرمایه داران حقوق و معیشت ما را مورد تعرض

مناسب برای شهروندان را از روی دوش خود برمی دارند. از طرف دیگر با انتقال خدمات درمانی به بخش خصوصی اولین چیزی که ما شاهد بوده ایم کاهش نیروی کارکنان و متعاقباً افزایش شدت کار است که هر دو اثرات مخربی بر کیفیت و نتیجه درمان دارند. چرا که در اینجا فقط سوددهی شرکتها حکم می راند. در نتیجه سلامت شهروندان آشکارا قربانی سود می شود.

حذف سود از رفاه اجتماعی بدین معناست که تامین نیازهای رفاهی شهروندان در درجه اول اهمیت قرار دارد. این یعنی بیرون کشیدن خدمات بهداشتی و سایر خدمات اجتماعی از دست بازار و رایگان کردن آن برای همه اهالی. یعنی

رفاه، نه سود! زمان تظاهرات:

۲۷ مارس ۲۰۱۲ - ساعت ۱۷ تا ۱۸:۳۰ استکهلم

فرامیخواند.

ما همیشه شاهدیم که کمونها در راستای سیاستهای دست راستی چوب حراج به بخش خدمات عمومی میزنند. این خدمات را خصوصی کرده و به دست بیرحم بازار آزاد میسپارند. در حال حاضر ۲۰ درصد از خدمات درمانی سوئد در اختیار بخش خصوصی است. در استکهلم ۶۰ درصد از خدمات درمانی و ۷۵ درصد از خانه های سالمندان توسط شرکت های خصوصی اداره میشود. در واقعیت امر کمون ها با واگذاری این موسسات به بخش خصوصی وظیفه تامین بهداشت و درمان

شبکه "رفاه، نه سود" در اعتراض به فروش بیمارستان سنکت یوران به بخش خصوصی تظاهراتی را در روز ۲۷ مارس ۲۰۱۲ در استکهلم سازمان داده است. این بیمارستان که ویژه پذیرش بیماران اورژانس است قبلاً در مالکیت شورای استان استکهلم بوده است. ارزش این معامله حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیارد کرون برآورد شده است ولی جزئیات آن بطرز عجیبی محرمانه نگه داشته شده است. واحد سوئد حزب کمونیست کارگری ایران از این حرکت اعتراضی قویا پشتیبانی می کند و همه را به شرکت در این اعتراض

اول مه: جهان از آن ...

کشورهای غربی علیه حاکمیت یک در صدی ها و "وال استریت" اعلان جنگ دادند. بر دوره سیاه "نظم نوین جهانی"، یک تازی "بازار آزاد"، "راست نوین" و "جنگ تروریستها" خط بطلان کشیدند. جهان بعد از سال ۲۰۱۱ جهان دیگری است. اول مه، روز جهانی کارگر - این وجدان شریف بشریت معاصر نیز، اول مه دیگری خواهد بود.

اولین فراخوان چند ماه جلوتر از اول مه از سوی جنبش ۹۹ درصدی ها در آمریکا اعلام شد. همانجا که روز جهانی کارگر تاریخا از آن ریشه گرفت. "اعتصاب جهانی"! این است فراخوان امسال. شهروندان سراسر جهان! ۹۹ درصدی ها! کار را تعطیل کنید! به خیابان بیاید! تمام خواسته های خود را مطرح کنید. از دستمزد در خور زندگی و برابری جنسیتی گرفته تا حقوق پناهندگی. از حق تحصیل و مسکن و بیمه درمانی گرفته تا الغاء دولت پلیسی یک درصدی ها و برقراری حاکمیت مستقیم مجامع عمومی و ارگانهای قدرت مستقیم مردم. این در واقع ندای "کمون پاریس" و "یورش به عرش اعلا" و در اختیار گرفتن زندگی توسط خود مردم است که از نیویورک و اوکلند و لانگ بیچ شنیده میشود. ندایی که قبل از آن در تظاهرات های

اعتصاب جهانی علیه یک درصدی ها که از لس آنجلس و نیویورک شنیده میشود، از قلب طبقه کارگر در ایران و حزب خیر میدهد. طبقه کارگری که در سال گذشته اعتصابات و اعتراضات بیشماری علیه فقر و فلاکت برپا داشت و اکنون در اوضاع وخیم و اضطراری ایران باید بعنوان یک نیروی سیاسی پیشتاز و رهبری کننده مبارزه مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی به میدان بیاید.

حزب کمونیست کارگری تمام کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، تمام زنان و مردان سراسر ایران و همچنین ایرانیان ساکن خارج از کشور را فرا میخواند تا با تمام قدرت از فراخوان اعتصاب جهانی در اول مه ۲۰۱۲ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱) حمایت کنند. این روزی است که از زن و مرد، از پیر و جوان باید علیه یک درصدی های ایران، علیه آخوند های میلیاردی و کل نظام اسلامی شان به میدان آمد. این روزی است که باید صفوف مان را زیر پرچم رهایی بخش اول مه متحد کنیم؛ برای گرفتن قدرت سیاسی توسط ۹۹ درصدی ها در ایران و پایان دادن فوری فقر و فلاکت و خطر جنگ و ناامنی که اکنون زندگی مردم را به تباهی کشانده، و برای برقراری آزادی و برابری و سوسیالیسم آماده شویم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ مارس ۲۰۱۲ - ۳ فروردین ۱۳۹۱

اووزگون و نیهات تونچر به بهانه ای اینکه جمع شما تأثیر منفی برقیقه زندانیان می گذارد و باعث تحریک آنها می شوید جدا کرده و به طبقه پایین بند مالی منتقل کردند و تهدید کردند که اگر باز هم شما با هم ارتباط داشته باشید به بندهای بدتری انتقال داده می شوید.

مهر داد امین وزیری، صدیق کریمی و فرشاد فاتحی آزاد شدند

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری رسیده است روز یکشنبه ۲۸ اسفند دو تن از فعالین کارگری شهر سنندج به نامهای فرشاد فاتحی و مهرداد امین وزیری با قرار وثیقه ده میلیون برای فرشاد و ۱۵ میلیونی برای مهرداد از زندان مرکزی شهر سنندج آزاد شدند.

همچنین کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز ۲۹ اسفند با انتشار خبر دیگری از آزادی صدیق کریمی بعد از ۴۵ روز

از صفحه ۱

میلیونی "ندا" های ایران، در تن سوخته "بوعزیزی" های تونس و واضح تر از همه در اجتماعات عظیم مردم در "التحریر" مجددا فریاد زده میشد و گوش سنگین تاریخ را باز میکرد. ما، حزب کمونیست کارگری ایران، با تمام قوا به این فراخوان جهانی ۹۹ درصدی ها برای اول ماه مه ۲۰۱۲ می پیوندیم. و این گامی است در تداوم مبارزات سی ساله کارگران در ایران. از رژه حدود ۵۰۰ هزار نفر در اول مه ۱۳۵۸ در تهران تا به امروز جدال سخت و سنگینی بین جمهوری اسلامی و صف اول مه و رهایی بشر در ایران در جریان بوده است. انقلاب ۵۷ گرچه توسط اسلامی ها بخون کشیده شد اما اوضاع یک درصدی ها در ایران را کاملاً آشفته کرد. بورژوازی اختیار خود را به مشتی ملای مرتجع و از گور برآمده و مشتی شارلتان و جانی (که حالا بعضاً "اصلاح طلب" شده اند!) سپرد تا با شمشیر اسلام سر انسان و آزادی و اول مه اش را ببرند. بیش از سی سال است که این جدال ادامه دارد و اکنون جهان علیه همان چیزی پیاخته که علیه اش بپا خاسته بودیم. کافی است قطعنامه های کارگران در ایران در اول مه های سالهای گذشته را با فراخوان جنبش ۹۹ درصدی ها مقایسه کرد تا دید که ندای یک اول مه عمومی و وسیع، یک

برگزاری دادگاه شریف ساعدپناه و مظفر صالح نیا

بنابر خبری که اتحادیه آزاد کارگران روز چهارشنبه ۲۵ اسفند ساعت ۹ تا ۱۰ و نیم صبح جلسه دادگاه شریف ساعدپناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج برگزار گردید. در این جلسه وکیل شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا دفاعیه و مستندات خود را ارائه نمود. دادگاه اعلام کرد نتیجه تصمیم دادگاه بعدا به اطلاع شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا خواهد رسید.

فشار بر شاهرخ زمانی و همبندی هایش ادامه دارد

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی با انتشار بیانیه ای در روز ۲۳ اسفند، از فشار بیشتر بر زندانیان سیاسی و از جمله شاهرخ زمانی خبر داد. شاهرخ زمانی را از هم خرجیهایش که عبارتند از محمد جراحی، جمهوری

فراخوان اول مه جهانی

حمایت کمیته همبستگی بین المللی با کارگران ایران از فراخوان جهانی اول مه



جنبش اشغال" در آمریکا مردم سراسر جهان را به اعتراضی جهانی فراخوانده است. در این فراخوان از جهانیان خواسته شده است که در اول مه کار را تعطیل کنند و به خیابانها بیایند و در آن چنین آمده است:

"روز اول مه ۲۰۱۲، کار تعطیل است. کلاس درس تعطیل است. رفتن به خرید و مراجعه به بانک و هرگونه داد و ستد تعطیل است. ساکنان کره زمین خیابان ها را به تسخیر در می آورند.

جنبش "اشغال لس آنجلس" و "اشغال لانگ بیچ" (در آمریکا) از هم اکنون تمام مردم جهان را به تدارک برپایی یک اعتصاب جهانی فرامیخواند"

در این فراخوان از جهانیان خواسته شده است که به این حرکت ملحق شوند و با ترجمه فراخوانشان به زبان کشور خود در شکل دادن به شبکه ای جهانی در حمایت از این حرکت یاری رسانند. "کمیته همبستگی بین المللی با کارگران ایران" بعنوان جزئی از این جنبش علیه نظم موجود و توحش سرمایه داری از فراخوان جهانی جنبش اشغال برای اول مه وسیعاً حمایت کرده و از طریق تماس های خود در کشورهای مختلف و با ترجمه و خبر رسانی در جلب حمایت جهانی از این فراخوان تلاش میکند. "کمیته همبستگی بین المللی با کارگران ایران" از همه جهانیان میخواهد که وسیعاً به این حرکت پیوندند و در ترجمه فراخوان جنبش اشغال به زبانهای مختلف یاری رسانند. لینک ترجمه های انجام شده تا کنون به زبانهای مختلف را در زیر ملاحظه میکنید.

<http://www.kargaran.org/international%20labor%20solidarity/1may2012/1may2012.htm>

کمیته همبستگی بین المللی با کارگران ایران
International Labour Solidarity Committee-Iran

شهالا دانشفر
Shahla_daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش
bahram.soroush@googlemail.com

۱۹ مارس ۲۰۱۲

اسارت در زندان مرکزی سنندج خبر منتقل شده است. از اتهامات انتسابی به او اطلاعاتی در دست نیست.

فرشته و سرگل آزاد شدند

بنابر اخبار منتشر شده فرشته همسر فرزاد احمدی فعال کارگری بازداشت شده به همراه سرگل که روز سه شنبه در جریان حمله نیروهای انتظامی مستقر در کلانتری ۱۲ سنندج بازداشت شده بودند، بعد از چندین ساعت اذیت و آزار و تهدید، شب سه شنبه آزاد شدند.

یک معلم ساکن شهریار بازداشت شد

امیر بقین لو، معلم ۳۶ ساله مدارس شهریار با ۱۸ سال سابقه کار در آموزش و پرورش به دلیل نامعلومی اول اسفند از سوی نیروهای امنیتی دستگیر و در بازداشت بسر می برد. وی دستکم دو هفته در انفرادیهای زندان رجایی شهر بسر برده و سپس به بند عمومی این زندان

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>



ادامه قدرتمند تحصن و اعتصاب پناهجویان ایرانی در ورتسبورگ!

حمایت جنبش ۹۹ درصدی ها!

حمایت نمایندگان پارلمان و احزاب!

ادامه انعکاس گسترده اعتراضات در رسانه های آلمانی!

تا زمان تهیه این گزارش یعنی ظهر روز پنجشنبه ۲۲ مارس نیز اعلام حمایتها ادامه داشت. از جمله شخصیتها و نهادهای زیر از مبارزات پناهجویان حمایت کرده اند:

- کورنیلا مولر نماینده حزب چپ در پارلمان استان بایرن با صدور اطلاعیه مطبوعاتی ضمن محکوم کردن سیاستهای ضد پناهندگی استان بایرن در مورد پناهجویان، حمایت خود را از مبارزه و تحصن پناهجویان ایرانی در ورتسبورگ اعلام کرد.

- آنجلیکا وایکرت نماینده حزب سوسیال دموکرات در پارلمان استان بایرن به همراه هیاتاتی از این حزب روز پنجشنبه ضمن حضور در محل تحصن پناهجویان ایرانی حمایت خود را از تحصن و خواستهای پناهجویان اعلام کردند. این هیات اعلام کرده که در تلاش است موضوع خواستهای پناهجویان را پیگیری نماید. هیات مذکور پتیشن حمایت از خواستهای پناهجویان را امضا کرد.

- یولیان وبر یکی از مسئولان گروه آلمانی علیه راسیسم در شهر کاسل آلمان روز گذشته با صدور پیامی حمایت این گروه از اعتصاب و مبارزه پناهجویان در شهر ورتسبورگ را اعلام کرد.

نمودند. روز چهارشنبه فعالین این جنبش پلاکاردی به این مضمون در محل چادر تحصن نصب کردند: "ساکنان شهر ورتسبورگ از مبارزات شما حمایت می کنند". دست اندرکاران این حرکت با تمام قوا در تمام فعالیتهای این حرکت اعتراضی شرکت دارند. تا روز پنجشنبه ۲۲ مارس دهها مصاحبه، گزارش و خبراز این تحصن توسط رسانه های مختلف آلمانی تهیه و مخابره شده است. چندین مصاحبه با شهناز مرتب دبیر فدراسیون در آلمان و حسن حسین زاده سخنگوی معترضان توسط این رسانه ها منتشر شده است. در اطلاعیه های قبلی اخبار این فعالیتهای به اطلاع عموم رسیده است.

شرایط در ورتسبورگ آلمان به نفع مبارزه برای حقوق انسانی و به نفع صف اعتراض و مبارزه تغییر پیدا کرده است. از اوایل این هفته مردم شهر ورتسبورگ با دیدن نمایشگاه عکس جنایات رژیم جمهوری اسلامی، دسته دسته به محل برگزاری تحصن آمده و حمایت خود را از این اعتراض اعلام کردند. فعالین جنبش ۹۹ درصدیها چادر به پا کرده اند در تمام کار و فعالیتهای جاری و روزانه شرکت دارند.

از روز دوشنبه ۱۹ مارس تحصن و اعتصاب پناهجویان ایرانی در شهر ورتسبورگ در استان بایرن آلمان آغاز شده است. این اعتراض از ابتدای شروع انعکاس وسیعی در رسانه ها و افکار عمومی و سازمانها و گروههای مدافع حقوق بشر داشته است. این مبارزه در اعتراض به سیاست های ضد پناهندگی دولت محلی استان بایرن و دولت آلمان آغاز شد. خواستهای معترضان برسمیت شناختن متقاضیان پناهندگی به عنوان پناهنده سیاسی، بازشدن پرونده های بسته شده، پایان دادن به بلا تکلیفی متقاضیان در رسیدگی به تقاضاهای پناهندگی و بهبود شرایط زیستی در کمپ های پناهندگی می باشد.

از همان روز اول این اعتراض با حمایت همه جانبه جنبش ۹۹ درصدیهای شهر ورتسبورگ مواجه گشته است. روز دوشنبه ۱۹ مارس فعالین جنبش ۹۹ درصدیها در شهر ورتسبورگ با حضور در محل برگزاری تحصن پناهجویان ایرانی حمایت خود را از اعتراضات پناهجویان ایرانی اعلام کردند. فعالین این جنبش به نشانه همبستگی با مبارزات پناهجویان، اقدام به برپایی چادر در محل تحصن

معترضین می باشد.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان

۳ فروردین ۱۳۹۱، ۲۲ مارس ۲۰۱۲

آدرس های تماس:

شهناز مرتب دبیر فدراسیون پناهندگان ایرانی در آلمان:

015774650186

حسن حسین زاده سخنگوی اعتراض پناهجویان ورتسبورگ

Tel: 17677009092

- رادیو گونگ، رادیوی شهر ورتسبورگ ضمن حمایت از اعتراض پناهجویان، ظهر روز پنجشنبه با حسن حسین زاده سخنگوی معترضی مصاحبه کرد.

همبستگی - فدراسیون پناهندگی واحد آلمان اعلام می کند که با تمام قوا از خواستها و مطالبات برحق پناهجویان معترض در ورتسبورگ حمایت کرده و تا رسیدن به این خواستها در کنار

آزادی انتخاب محل سکونت

- آزادی بی قید و شرط انتخاب محل سکونت، آزادی سفر و نقل مکان برای همه افراد بالای شانزده سال اعم از زن و مرد. ممنوعیت هر نوع کنترل دائمی عبور و مرور در داخل کشور توسط دولت و مقامات انتظامی. لغو هر نوع محدودیت بر خروج از کشور. صدور بی قید و شرط و فوری گذرنامه و جواز ورود و خروج.

- ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها. اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. صدور بی قید و شرط اجازه اقامت و کار برای متقاضیان اقامت در ایران.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد. مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت. ممنوعیت گردآوری اطلاعات در مورد زندگی افراد بدون کسب اجازه رسمی از خود آنها. حق هر فرد ساکن کشور به دریافت و مطالعه کلیه اطلاعاتی که مراجع دولتی از او در اختیار دارند.

(از برنامه یک دنیای بهتر)

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!